در قدیم وقتی ساعت نبود مردم برای اینکه مرز سحری و اذان را تشخیص دهند این راهکار را به کار می‌بردند که اگر موهای ساعد دست‌های خود را نمی‌دیدند می‌فهمیدند که اذان نشده و به غذا خوردن خود ادامه می‌دادند و اگر می‌دیدند متوجه می‌شدند که وقت اذان است.

علی‌رغم پیدایش ساعت‌های الکترونیکی ژاپنی در بازار راهکار قدیمی به کمک کوچک‌ترها می‌آمد تا آنها چای یا لقمه بیشتری بخورند.

پدر بزرگ که غذای کمتری می‌خورد در ماه رمضان همیشه این حرف را در مورد هدف از روزه گرفتن چنین بیان می‌کرد که: «ما روزه می‌گیریم تا درک کنیم گرسنه‌ها چه می‌کشند و اینکه همیشه باید نسبت به فقرا مهربانانه رفتار کنیم».

نیمه پنهان کشمیر – ۴

پدربزرگم می‌خواست من مثل بهترین شاگردانش باشم

نویسنده: بشارت پیر
مترجم: بهزاد طاهرپور

در اواخر ماه رمضان صحبت در مورد معنا و مفهوم ماه رمضان کمتر مطرح می‌شد همچنین من و برادرم در مورد برگزاری جشن‌های عید فطر هیجان زده می‌شدیم.

در غروب بیست و نهمین روز ماه رمضان همه چشم‌ها برای رویت هلال ماه به آسمان بود تا عید فطر برای روز بعد تأیید شود اما خورشید نارنجی فام با اکراه پشت کوه‌های بلند لمیده، گویا زندانی شب شده بود.

همه بچه‌های در و همسایه در همان شب در ایوانِ خانه ما جمع شده و به افق می‌نگریستند، آسمان به‌تدریج از سرخی به نارنجی و در نهایت به آبیِ تیره می‌گرائید، ما به هم نگاه کرده و فریاد می‌زدیم: آیا ماه را دیدی؟

جواب می‌آمد: هنوز نه.

آنگاه برای دیدن هلال ماه به طبقات بالاتر رفته و نگاهمان را به آسمان می‌دوختیم. اگر هلال را نمی‌دیدیم به طبقه سوم می‌رفتیم.

اگر باز هم هلال گریزپای را نمی‌دیدیم برادرم و من به آشپزخانه می‌رفتیم جایی که پدربزرگ با موج‌های رادیو بازی می‌کرد تا شاید گزارش جدیدی را از رویت هلال ماه بشنود. هر صبح روز عید فطر مادر اقدام به درست کردن قهوه کشمیری می‌کرد. در این روز برادرم و من، پدر و پدر بزرگ را به هنگام رفتن به عید گاه که درتپه‌های مشرف به روستا قرار داشت همراهی می‌کردیم.

هر سال دو بار نماز در عیدگاه[1]، یکی برای عید فطر و دیگری برای عید قربان برگزار می‌شد که در آن امام جماعت خطبه می‌خواند و پس از آن نماز جماعت برگزار می‌شد.

ما در آنجا اقوام، دوستان و آشنایان را ملاقات می‌کردیم. همه لباس‌های نو به تن می‌کردند، به هنگام نماز زیراندازها که از مسجد آورده شده بود را پهن می‌کردند، به نظرم ۲۰ صف برای نماز جماعت تشکیل می‌شد، نماز کوتاه اما خطبه خیلی طولانی بود.

امام جماعت هر سال همان خطبه را تکرار می‌کرد، من و دوستانم سعی می‌کردیم هر جور شده از آنجا در برویم.

والدین، دوستان همسایه‌ها هر ساله به ما «عیدانه» که شامل پاکتی از پول بود هدیه می‌دادند که ما هم آنها را برای خرید اسباب بازی و ترقه خرج می‌کردیم.

در روز عید همچنین جوانان و نوجوانان روستا برای دیدن فیلم‌های بالیوودی در سینما فردوس آنانتناگ اتوبوسی را کرایه می‌کردند.

من اجازه این کار را نداشتم اما وقتی آنها از این گردش تفریحی به خانه برمی‌گشتند همه جزئیات را مو به مو برایم تعریف می‌کردند و من مشتاق حرف‌های آنها می‌شدم.

پوسترها، آگهی‌ها و بیلبوردهای تبلیغاتی فیلم‌های جدید هندی در پس زمینه‌های رنگ‌های قرمز، زرد، سبز، قهوه‌ای در همه ابعاد درهمه جا دیده می‌شد از تیرهای برق گرفته تا درشکه‌ها.

در روستاها درکنار درشکه‌چی‌ها یک نفر می‌ایستاد و با بلندگو اسامی فیلم‌های جدید را در سینماهای شهر اعلام می‌کرد. هر پوستری حاوی مجموعه‌ای از اختلاط رنگ‌ها و نمایانگر احساسات مختلف بود: یک قهرمان (آرتیست) با پیراهن سبز و شلوار آبی در حالی که هفت‌تیری در دست دارد و از صورتش خون می‌چکد، زنی با لباس‌های قرمز در حالی‌که دست‌هایش با طناب از پشت به تیرکی بسته شده و گیسوانش روی صورت مضطربش ریخته است، و یا یک تبهکار با سبیل آنکارد شده در لباس طلایی در حال کشیدن پیپ یا با خنده شرورانه‌ای دیده می‌شوند.

من عصرها بیشتر اوقاتم را روی تکالیف مدرسه می‌گذاشتم. یادم می‌آید یک بعد از ظهر حواسم با نوار موسیقی یک فیلم بالیوودی از خانه همسایه پرت شد. داشتم ریاضی حل می‌کردم روی حاصل‌ضرب مجموعه‌ها تمرکز کرده بودم اما جواب‌ها اشتباه در می‌آمد.

پدربزرگ سیلی به صورتم نواخت و اتاق را ترک کرد. انتظارهم همین بود این یک مسئله عادی بود. هر بچه مدرسه‌ای به‌خاطر انجام ندادن درست تکالیف چک و ترکه چوب را در برنامه‌اش داشت. پدربزرگ سعی می‌کرد که مطمئن شود موسیقی در خانه جایی ندارد هرچه که غیراسلامی تلقی می‌شد ممنوع بود.

اگر در حد و انتظارات پدربزرگم بودم به من لبخند می‌زد وگرنه اوقات‌تلخی می‌کرد. او می‌خواست من مثل بهترین شاگردانش یعنی پدرم باشم. پدربزرگ من در دبیرستانی در دهکده اطراف درس می‌داد.

اگر در حد و انتظارات او بودم به من لبخند می‌زد وگرنه اوقات‌تلخی می‌کرد. او می‌خواست من مثل بهترین شاگردانش یعنی پدرم باشم. پدر بزرگ من در دبیرستانی در دهکده اطراف درس می‌داد که یک دانش‌آموز کلاس هشتم توجهش را جلب کرد.

احمد یکی از شاگردان ممتاز و در عین حال فقیرترین شاگرد مدرسه بود. او یتیمی بود که توسط اقوام تنگدستش که وضعیت نابسامانی داشتند بزرگ شده بود. پدربزرگ احساس کرد که اگر به این بچه توجهی بشود احمد می‌تواند مدارج عالیه را به راحتی طی کند از این رو این مسئله را با همسرش در میان گذاشت.

همسرش به او گفت: «برو با خانواده‌اش صحبت کن، ما می‌توانیم از او حمایت کنیم» و این چنین بود که پدربزرگ من ناپدری و مرشد احمد جوان شد.

احمد در حالی‌که در کالج بود در یک مدرسه خصوصی درس خواند و پس از فارغ‌التحصیلی مثل پدر بزرگم معلم دبیرستان شد. پس از مدتی برخی از دوستان پدر بزرگم ایده‌ای را مطرح کردند: آنها برای دختر بزرگ پدر بزرگم حمیده پسر مناسبی را در نظر گرفتند. احمد و حمیده همدیگر را از زمان دبیرستان می‌شناختند. به هرحال آنها با هم ازدواج کردند یک سال بعد او ضمن شرکت در آزمون رقابتی «خدمات دولتی کشمیر» پذیرفته شد و به عنوان بازرس در دوایر دولتی منصوب گردید.

پانوشت:

۱- مکانی دوربسته با سقف باز است که در خارج شهر برپا می‌شود. این ابنیه در شبه‌قاره هند رایج‌ترند.

«محمد اقبال» شاعر و فیلسوف پرآوازه اردوزبان که رگ و ریشه کشمیری داشت در مونیخ آلمان درس خواند و تحت تاثیر افکار نیچه قرار گرفت. او ایده «ابرمرد» ایده‌آل مسلمان جوان را تبلیغ می‌کرد.

خواندن آوازهای عاشقانه و تنهائی می‌توانست منجر به دریافت نمرات بدی در مدرسه شود و بدتر از آن ممکن بود باعث تضعیف ایمان دانش‌آموزان شود. یک‌بار من شاگرد اول نشدم و به همین خاطر نمراتم را زیر تخت‌خواب پدربزرگ مخفی کردم تا از کتک‌های او در امان بمانم. پدربزرگ همیشه دوست داشت بگوید: «اگر ترکه را رها کنی بچه را تباه می‌کنی». او همیشه ۲ ساعت در غروب به من درس می‌داد و تکالیفم را کنترل می‌کرد.

جنگ سرد فرهنگی؛ سازمان سیا در عرصه فرهنگ و هنر - ۷۷

شخصیت کثیف فارفیلد
تصویری از ماهیت قدرت در آمریکا

فرانسیس استونر ساندرس
ترجمه حسین باکند

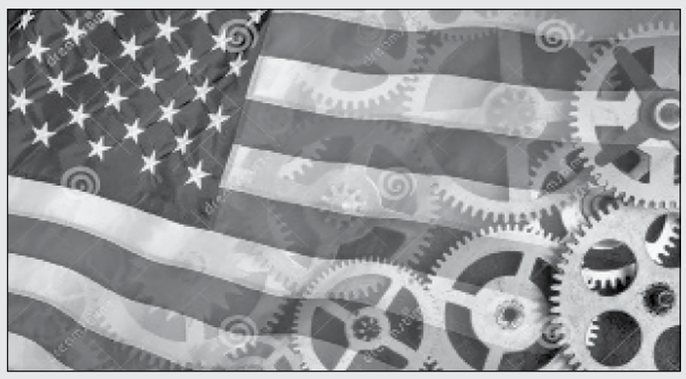

از دیگر مدیران فارفیلد می‌توان به ویلیام واندن هیوول، وکیل نیویورکی که به هر دو جان و بادی کِندی و آرتور شلزینگر نزدیک بود (او همچنین درکنار ویلیام دونوان و کاس کانفیلد عضو هیئت مدیره کمیته نجات اضطراری به شمار می‌رفت)؛ جوزف وِنِر رید، رئیس تریتون‌پرس، معاون شرکت‌هاب ساوند فلوریدا، عضو میزگرد مشورتی درام[1] برای [پیشبرد] برنامه تبادل بین‌المللی[2] آنتا[3]؛ فرِد لازاروس جونیور، خیر ارشد بنیاد فرد لازاروس (که در سال ۱۹۵۶ کمک قابل توجهی به فارفیلد کرد و بعدها عضو مشاور بنیاد ملی هنر گردید)؛ دونالد استرالم، رئیس انجمن خدمات دفاعی یکپارچه[4] در کنار همسرش جین، خیّر بنیاد شِلبِر راک (که در سال ۱۹۶۲، سالی که استارلم جایگزین فلایشمن به عنوان رئیس فارفیلد شد، «کول‌بری» پول‌های سازمان سیا را به خزانه فارفیلد واریز می‌کرد، پول‌هایی که مقصد نهائی آن کنگره آزادی فرهنگی بود)؛ وایتلو رید ویراستار پیشین نیویورک هِرالد تریبون و رالف پی هانس، مدیر بنیاد هانس در کارولینای شمالی اشاره کرد. دوست خوب جونکی فلایشمن، هانس و همسرش، باربارا، همراه فلایشمن‌ها و ویزنرها[5] رهسپار [کشور جزیره‌ای] باهاما شدند. در آخر البته این مایکل جوسلسون بود که نامش در سربرگ بنیاد به عنوان مدیر بین‌المللی ظاهر شد، و حقوق سازمان سیا خود را از طریق بنیاد دریافت می‌کرد.

فارفیلد به هیچ وجه در شخصیت کثیف خود استثنایی نبود. این ماهیت قدرت در آمریکا در آن زمان محسوب می‌شد. اسلوب حمایت خصوصی، الگوی برجسته‌ای به نظر می‌رسید که نشان می‌داد چگونه گروه‌های همگن کوچک برای دفاع از منافع آمریکا - و طبیعتاً، منافع خود- به میدان می‌آمدند. خدمت در بالاترین نقطه خواسته همه واسپ‌های[6] عزت‌خواه و جایزه‌اش، قیمومیت بر بنیاد فورد و همچنین بنیاد راکفلر بود که هر دو آن‌ها ابزارهای هوشیار سیاست خارجی مخفی آمریکا به شمار می‌آمدند، مدیران و افسرانی داشتند که از نزدیک با اطلاعاتی‌های آمریکا در ارتباط بودند و یا خودشان از اعضای اطلاعات آمریکا به حساب می‌آمدند.

بنیاد فورد که در سال ۱۹۳۶ تأسیس شد، گل سرسبد ثروت عظیم معاف از مالیات فورد محسوب می‌گردید و تا اواخر دهه ۱۹۵۰ مجموع دارایی‌های او به بیش از ۳ میلیارد دلار رسید. دوایت مک‌دونالد در یک توصیف به یاد ماندنی، آن را به عنوان «انبار پول احاطه شده توسط افرادی که سهمی می‌خواهند» توصیف می‌کند. معماران سیاست فرهنگی بنیاد پس از جنگ جهانی دوم کاملاً با الزامات سیاسی، که از حضور ناگهانی آمریکا در صحنه جهانی حمایت می‌کرد، هماهنگ بودند. گاه به نظر می‌رسید که بنیاد فورد صرفاً امتداد دولت در حوزه تبلیغات فرهنگی بین‌المللی است. بنیاد سابقه درگیری نزدیک در عملیات‌های مخفی در اروپا را داشت و از نزدیک با مقامات طرح مارشال و سیا در پروژه‌های خاص همکاری می‌کرد. این همکاری متقابل زمانی گسترش یافت که طراح [طرح] مارشال، ریچارد بیسِل، که با امضای او ارزهای تبدیلی در اختیار فرانک ویزنر قرار می‌گرفت، همان شخصی که در سال ۱۹۵۲ وارد بنیاد فورد شد، در یک پیش‌بینی دقیق گفت: «هیچ چیز مانع از این نمی‌شود یک فرد همان میزان تأثیری که می‌تواند از طریق کار در یک بنیاد دولتی داشته باشد را از طریق کار در یک بنیاد خصوصی به دست آورد[7]». بیسل در طول دوره مسئولیتش در بنیاد فورد معمولاً با آلن دالس و دیگر مقامات سازمان سیا، از جمله تریسی بارنز[8] همکاسی سابقش در [مدرسه] گروتن[9] برای رسیدن به ایده‌های جدید «جلسه هم‌اندیشی» برگزار می‌کرد. او ناگهان کارش را ترک گفت و به عنوان دستیار ویژه آلن دالس در ژانویه ۱۹۵۴ به سازمان سیا پیوست. اما پیش از این کمکی به هدایت اساس تفکر تازه متولد شده جنگ سرد نکرده بود.

بیسل مستقیماً زیر نظر پل هافمن، شخصی که در سال ۱۹۵۰ رئیس بنیاد فورد شد، کار کرد. هافمن که مستقیماً از شغلش به عنوان مدیر طرح مارشال [به این بخش] آمده بود، از نزدیک مشکلات اروپاییان را لمس کرد و با راهکارهای حل آن مشکلات آشنا شد [و اکنون بعد از گذراندن یک دوره عملی آشنایی با مشکلات و راهکارهای آن، آماده به کارگیری تجربیات و آموخته‌های خود در مسئولیت جدید خویش بود].

او به زبان جنگ روانی تسلط داشت و فریاد آرتور کستلر در سال ۱۹۵۰ را تکرار می‌کرد که «دوستان! آزادی تهاجم خود را آغاز کرده است»، او از «برقراری صلح» سخن به میان می‌آورد. او همچنین دیدگاه سخنگوی بنیاد فورد، رابرت مینارد هاچینز را تکرار می‌کرد که گفته بود وزارت خارجه «در معرض مداخلات سیاسی داخلی فراوانی است که دیگر نمی‌تواند تصویری گرد از فرهنگ آمریکا ارائه دهد».

پانوشت‌ها:

۱- Drama Advisory Panel
۲- International Exchange Program
۳- ANTA
۴- United Community Defense Services
۵- یعنی ویزنر و همسرش.
۶- WASPs: White Anglo-Saxon Protestants: پروتستان‌های سفید آنگلوساکسون.
۷- یعنی دست بخش خصوصی مانند بخش دولتی باز باشد و محدودیتی برای او وجود نداشته باشد.
۸- Tracy Barnes
۹- واقع در شهر گورتن در ایالت ماساچوست آمریکا.

> فارفیلد به هیچ وجه در شخصیت کثیف خود استثنایی نبود. این ماهیت قدرت در آمریکا در آن زمان محسوب می‌شد. اسلوب حمایت خصوصی، الگوی برجسته‌ای به نظر می‌رسید که نشان می‌داد چگونه گروه‌های همگن کوچک برای دفاع از منافع آمریکا - و طبیعتاً، منافع خود- به میدان می‌آمدند.

نیازمندی‌های کیهان

قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

مرکز		جنوب		شرق — غرب	
۳۳۱۱۰۲۰۲		سعدی	۳۳۹۶۲۲۱۱ - ۳۳۹۶۲۲۳۳	شهریار	۰۹۱۲۱۶۲۰۸۴۹
۳۳۱۱۰۲۰۸	۳۳۱۱۲۱۹۳	شرق استان تهران	۳۶۲۵۷۰۷۴		۶۵۲۲۲۹۳۳
۳۳۱۱۳۵۱۹	۳۳۹۱۱۵۶۸			کرج	۳۲۲۲۴۴۱۱ ۰۲۶-۳۲۲۲۶۰۱۳
۳۳۱۱۰۲۱۰	۳۳۱۱۲۲۹۱	اسلامشهر	۵۶۳۴۴۳۴۳		
۳۳۱۱۸۰۵۰	۳۳۱۱۹۲۳۶	چهاردانگه	۵۶۳۵۹۵۹۸	دماوند	۷۶۳۲۱۹۳۸
	۳۳۱۱۲۱۹۵				
	۳۳۹۴۲۰۰۰				

شمال	
قلهک	۲۲۶۰۳۶۳۵
شمیران	۲۲۷۱۲۹۷۶
مطهری	۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲
شهرآرا	۶۶۵۹۲۲۶۶ -۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

استخدام

دعوت به همکاری

موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.

- واحد فنی: ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم
- واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات حدود دیپلم
- امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
- امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی

متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر باتلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ - ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

قبول آگهی تلفنی
از ۸ الی ۱۸
تلفن: ۹-۳۳۱۱۲۲۹۱ و فکس ۳۳۱۱۸۰۵۳

خرید و فروش و اجاره کلیه املاک

املاک انتظار
فروش ویلا، زمین در شمال منطقه نور - چمستان (۲۰٪ زیر قیمت بازار) برای اطلاعات بیشتر تماس بگیرید.
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

املاک افق
خرید - فروش - رهن - اجاره
زمین، ویلا، آپارتمان در رودهن و حومه
۰۹۱۲۱۷۲۹۴۸۵ و ۷۶۵۰۹۹۸۱

منطقه نور و چمستان
فروش چند واحد ویلا (باسند) همه قیمت موجود می‌باشد
۰۹۳۸۳۵۱۶۵۰۰

مجله زن روز
روزهای شنبه هر هفته منتشر می‌گردد

حمل و نقل

متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا
۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

بنایی و خدمات ساختمانی

ایزوگام - قیرگونی آسفالت
۰۲۱-۲۲۵۹۸۵۵۳
۰۹۱۲۳۱۹۳۷۵۷

تهویه مطبوع احمدی
ساخت و نصب انواع کانال‌های گالوانیزه داکت - اسپیلت - هواساز
۰۹۱۲۵۳۴۶۶۹۴

خرید و فروش انواع خودرو

«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

لوازم یدکی خودرو

تویوتا صبا (شریف‌نیا)
توزیع و پخش لوازم اصلی تویوتا - لکسوس (بازار)
۳۳۹۹۰۰۱۷ - ۰۹۱۲۲۴۹۷۵۷۰

مجله کیهان بچه‌ها
سه‌شنبه ها هر دو هفته یک‌بار
ویژه کودکان و نوجوانان منتشر می‌شود.

آگهی‌های مفقودی

برگ سبز خودرو سهند مدل ۱۴۰۳ رنگ مشکی متالیک به شماره شهربانی ۱۹۹ ص ۲۶ ایران ۶۰ و شماره موتور M۱۵۱۵۳۰۸۱۱۹ و شماره شاسی NAPX۲۳۴AAR۱۰۰۱۶۰۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سایپا ۱۳۱SE به شماره پلاک ۳۱۵ ه ۷۱ - ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۸ و شماره موتور M۱۳/۶۳۶۴۴۰۴ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰K۱۱۶۰۱۲۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی و کارت مشخصات موتورسیکلت رونیز ۱۲۵ به شماره پلاک ۸۲۸۹۲- ایران ۵۶۴ به رنگ مشکی مدل ۱۳۸۳ و شماره موتور ۱۳۱۹۰۴۸ و شماره تنه ۸۳۱۱۵۰۰۵۸۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی و برگ سبز و کارت مشخصات خودروسایپا هاچ بک QUIK-MT به شماره انتظامی ۳۸۱ ی ۷۱ ایران۷۳ مدل۹۹ موتور۱۵/۹۰۴۱۹۱۳ M شاسی NAS۸۴۱۱۰۰L۳۳۵۷۵۳۴ به نام ماه صنم کاظمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (شیراز)

برگ سبز (سند مالکیت) وانت پیکان۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۷ به شماره پلاک ۵۷۹س۹۶ایران ۲۳ وشماره موتور ۱۱۵۱۷۷۱۰۸۷۰ وشماره شاسی ۰۰۷۷۹۱۱۱۸۵۶ به نام سیدعباس احمدی شیخ شبانی به کد ملی ۴۶۲۳۰۹۴۱۱۱ مفقود شده اعتبار ندارد. زرین شهر.

برگ سبز (سند مالکیت) وانت پژو۵PARSTU مدل ۱۴۰۰ به شماره پلاک ۵۹۶ی۳۹ ایران ۲۳ وشماره موتور ۱۳۹B۰۲۳۹۷۷۶ وشماره شاسی NAAN۱۱۱FE۱MH۶۷۶۲۶۰ به نام هدایت اله خدادادی چمگردانی به کد ملی ۱۲۸۹۴۹۵۱۰۶ مفقود شده اعتبار ندارد. زرین شهر.

برگ سبز و برگ کمپانی وانت مزدا تیپ CARA ۲۰۰۰ مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید شماره موتور E۲N۶۸۵۱۲۱ شماره شاسی NAGPC۳۱NA۶۰۰۱۴۵ شماره پلاک ۶۰ ایران ۳۸۷ س ۷۵ متعلق به خانم فریبا شیخ یزد مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و کارت خودرو سواری پژو ۲۰۷ هاچ بک مدل ۱۳۹۹ به رنگ مشکی متالیک به شماره انتظامی ۳۲۲ ق ۹۴ ایران ۱۸ و شماره موتور ۱۷۸B۰۰۳۷۸۹۵ و شماره شاسی NAAR۰۳FE۶L۱۴۱۳۴۹ بنام کیهان سلیمانی به شماره ملی ۴۰۰۰۲۳۴۳۱۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (اسدآباد)

سند کمپانی کامیونت ون نیسان ۲۴۰۰ مدل ۱۳۸۰ به رنگ آبی روغنی به شماره انتظامی ۶۷۳ ج ۱۲ ایران ۱۸ و شماره موتور۰۰۱۶۶۵۲۲ و شماره شاسی ۶۶۰۶۶ C۰۰ بنام علی عاشوری شماره ملی ۵۰۲۹۴۶۳۵۱۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (همدان)

پلاک شناسایی بدنه خودروی تراکتور رنگ قرمز روغنی مدل ۱۳۹۰ به شماره انتظامی ایران ۸۶ ۷۲۳ ک ۱۱ و شماره موتور LFW۰۴۶۳۱X و شماره شاسی L۰۳۹۴۱ بنام علی اسدی مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

برگ سبز (سند مالکیت) سواری SORENEF۷ مدل ۱۳۹۷ به شماره پلاک ۳۹۲ هـ ۱۸ ایران ۴۳ و شماره موتور ۱۴۷H۰۴۴۲۳۹۳ وشماره شاسی NAACS۱HEXJF۴۵۳۳۲۲ به نام سعید رحمانی به کد ملی۱۱۶۰۱۹۲۱۶۲ مفقود شده اعتبار ندارد. زرین شهر.

برگ سبز و سند کمپانی و کارت مشخصات موتور سایپا ۱۳۱SE به شماره پلاک ۳۱۵ ه ۷۱ - ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۸ و شماره موتور M۱۳/۶۳۶۴۴۰۴ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰K۱۱۶۰۱۲۸ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز و برگ کمپانی وانت مزدا تیپ CARA ۲۰۰۰ مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید شماره موتور E۲N۶۸۵۱۲۱ شماره شاسی NAGPC۳۱NA۶۰۰۱۴۵ شماره پلاک ۶۰ ایران ۳۸۷ س ۷۵ متعلق به خانم فریبا شیخ یزد مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز و سند کمپانی پراید هاچبک مدل ۱۳۸۳ شماره انتظامی ۴۹۹ ج ۷۸ ایران ۸۹ شماره موتور ۰۰۹۰۲۹۱۹ شماره شاسی S۱۴۴۲۲۸۳۱۶۹۹۵۶ بنام مهدی زنگنه مفقود و از درجه اعتبارساقط می‌باشند. بونین زهرا

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۵ رنگ مشکی روغنی به شماره انتظامی ۶۴۹ل۵۶ ایران ۴۶ شماره موتور ۱۶۹۹۴۱۴ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۹۴۶۱۶۰ بنام پروانه حاجی پور چالکسری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.(رشت)

فقدان مدرک تحصیلی (نوبت اول)
مدرک گواهی‌نامه موقت فارغ‌التحصیلی اینجانب پگاه ملک‌شاهی فرزند عطاالله به شماره شناسنامه ۳۳۸۰۳۸۰۹۵۴ در مقطع کارشناسی رشته ارتباط تصویری صادره از واحد دانشگاهی یزد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می‌شود مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد ارسال نماید.

شناسنامه سواری هاچ بک ۲۰۷I-MT به شماره موتور ۱۷۹B۰۰۰۰۵۴۸ و شماره شاسی NAAR۰۳E۹GJ۸۸۰۵۲۷ و شماره پلاک ۱۰ ایران ۳۶۳ ج ۱۷ به نام محمدرضا زرین کفش شیرازی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

دفاتر نمایندگی کیهان همه روزه تلفنی آگهی می‌پذیرد

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت خدمات بیمه‌ای تلاش(سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۴۳۶۹۲ شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۶۶۵۷۳
بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت یا نمایندگان قانونی آنها دعوت به عمل می‌آید که در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت در ساعت ۱۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۸ در محل اقامتگاه قانونی شرکت به نشانی تهران، خیابان دکتر شریعتی، کوچه محسنی، خیابان دکتر شریعتی پلاک ۲۲۳ طبقه اول کدپستی ۱۶۱۱۶۳۶۶۴۳ برگزار می‌شود، حضور بهم رسانند.
دستور جلسه: تغییر محل و اقامتگاه شرکت
هیات مدیره شرکت خدمات بیمه‌ای تلاش

آگهی برگزاری مجمع عمومی عادی به صورت فوق‌العاده نوبت دوم شرکت تعاونی مصرف شماره ۱ ناجا/ شماره ثبت ۴۹۵۷۰ تاریخ انتشار ۳ دی
بدینوسیله از کلیه اعضای تعاونی دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده نوبت دوم که روز یکشنبه ۱۴۰۳/۱۰/۱۶ راس ساعت ۱۰ صبح در سالن مجتمع هنری پیامبر اعظم(ص) واقع در تهرانسر شهرک پاسداران خ شهید طهماسبی جنب آبرسانی برگزار می‌گردد شرکت نمایند. (ثبت‌نام جهت حضور از ساعت ۸ الی ۱۰ صبح صرفا با ارائه کارت ملی) تعداد آرای وکالتی به هر عضو و هر شخص غیرعضو، تنها یک رای خواهد بود. اعضای متقاضی اعطای نمایندگی می‌بایست به همراه نماینده خود از ساعت ۱۰ الی ۱۲ روزهای ۹ الی ۱۲ دی‌ماه در دفتر تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت طرفین توسط هیئت مدیره، فرم وکالت را دریافت نمایند.
دستورهای جلسه مجمع:
۱- ارائه گزارش هیئت مدیره و بازرس
۲- طرح و تصویب صورتهای مالی سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ و تصویب برنامه و بودجه ۱۴۰۳
۳- طرح و تصویب راهکار ارزش‌گذاری سهام بر مبنای نظریه کارشناسی رسمی
۴- تعیین روش بازسازی و نوسازی ساختمان‌های تعاونی
۵- انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل
۶- انتخاب اعضای علی‌البدل هیئت مدیره
۷- ارائه گزارش تغییرات اعضا، و سرمایه
رئیس هیات مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت برق گستران جهاد تهران (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۱۶۳۲۴ شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۹۹۳۰۴
مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۶
بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام حقیقی و نمایندگان سهام حقوقی دعوت می شود در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت برق گستران جهاد تهران (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۱۶۳۲۴ که در ساعت ۱۰ صبح روز یکشنبه ۱۴۰۳/۱۰/۱۶ در آدرس تهران -جاده مخصوص کرج - کیلومتر ۹- خیابان شهید عاشری نبش شهید جلال شماره ۲۰ تشکیل می گردد حضور بهمرسانند.
دستور جلسه :
۱- انتخاب اعضا، هیئت مدیره و مدیرعامل .
۲- سایر مواردی که در حدود اختیارات مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده است .
هیئت مدیره شرکت برق گستران جهاد تهران (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۱۶۳۲۴

جناب آقای ابراهیم جعفری در اجرای دادنامه شماره ۱۴۰۳۹۱۳۹۰۰۱۰۸۴۹۳۰۵ مورخه ۱۴۰۳/۷/۵ و قطعیت شماره ۱۴۰۳۹۱۹۴۰۰۰۰۰۷۹۱۶۴ مورخه ۱۴۰۳/۹/۱۸ صادره از شعبه ۴ دادگاه عمومی بخش کهریزک در خصوص طلاق خانم طیبه محمدی به شما اخطار می‌گردد یک هفته پس از رویت اخطاریه به دفترخانه شهری- خ ۲۴ متری رازی- کوچه مسلم بن عقیل- پ ۸۱ مراجعه نمایید در غیراینصورت طلاق طبق دستور مقام قضایی ثبت خواهد شد.
سردفتر طلاق ۲۱ و ازدواج ۴۴ (شهری)
حسین اسحاقی

جناب آقای عباس امانی فرزند فتح اله به اطلاع می‌رساند همسر شما خانم سلطنت دارائی جهت اجرای دادنامه ۱۴۰۲۹۱۳۹۰۰۰۶۹۲۸۰۷۲ مورخه ۱۴۰۳/۵/۲ شعبه ۴ دادگاه کهریزک به این دفترخانه مراجعه و تقاضای ثبت طلاق را نموده‌اند لذا به شما اخطار می‌گردد ظرف مدت یک هفته پس از رؤیت این آگهی در جراید به آدرس: شهرری- خیابان ۲۴ متری بیات نبش خیابان شهید نفری ساختمان عقیق طبقه اول واحد ۲ مراجعه نمایید. در غیراینصورت طلاق طبق دستور مقام قضایی انجام خواهد شد.
سردفتر طلاق ۱۰۹ تهران
سیدمحمود موسوی

کلیه مدارک سندوبرگ سبز خودرو سایپا تیپ Ex۱۳۱ به شماره انتظامی ۵۲۴ب۵۹ ایران ۶۸ شماره موتور ۴۶۹۴۳۰۳ وشماره شاسی S۱۴۱۲۲۹۱۱۲۷۸۰۹۱ بنام مجید شعبانی پیرپشته مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط میباشد.(لنگرود)

برگ سبز خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۴ به شماره انتظامی ۹۲۸ج۱۶ایران ۵۶ شماره موتور۰۱۲۲۷۹۲۳ وشماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۴۶۱۱۱۱۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.(لاهیجان)

قابل توجه مشتریان محترم
لطفاً قبل از پرداخت مبلغ آگهی از هویت مامور وصول مطمئن و در صورت لزوم با تلفن ۳۳۱۱۲۱۹۷ تماس بگیرید
اداره وصول مطالبات روزنامه کیهان

شرایط و فرم اشتراک نشریات کیهان در تهران سال ۱۴۰۳

متقاضیان محترم می‌توانند با توجه به جدول زیر نسبت به انتخاب هر یک از نشریات مورد علاقه و واریز مبلغ اشتراک به شماره کارت **۶۱۰۴۳۳۸۹۸۷۹۴۸۷۷۱** بانک ملت به نام چاپ و انتشارات کیهان و ارسال اصل فیش بانکی همراه با فرم تکمیل شده ذیل به صندوق پستی **۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** با پست سفارشی نسبت به برقراری اشتراک خود اقدام نمایند.

نوع نشریه	یکساله (ریال)	شش ماهه (ریال)	سه ماهه (ریال)
روزنامه کیهان	۴۲/۰۰۰/۰۰۰	۲۱/۰۰۰/۰۰۰	۱۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان انگلیسی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
روزنامه کیهان عربی	۱۶۲/۰۰۰/۰۰۰	۸۱/۰۰۰/۰۰۰	۴۰/۵۰۰/۰۰۰
مجله کیهان ورزشی	۲۸/۰۸۰/۰۰۰	۱۴/